

رسالة النهج الضياء

در حکم و

موضوع الربا

از تالیفات

حضرت حجة الاسلام آیت الله فی الارضین

آقای مجتهد عرب باقری

مد ظله

رسالة النهج الضيا

در حکم و موضوع الربا

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام
على محمد وآله الطاهرين

بدانکه در معنای ربا انظار علما مختلف شده پس لابد است از
تحقیق این مطلب تا معلوم گردد معنی ربا از احادیث صحیحه و در اینجا
دو فصل است :

فصل اول در حکم ربا است

قال الله تعالى در سورة بقره واحل الله البيع وحرم الربو یعنی خداوند
حلال فرموده بیع را که خرید و فروش است با رضای طرفین و حرام
کرده ربا را که زیاده از اصل طلب باشد و قبل از این آیه فرموده :
الذین یا کاون الربوا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان
من المس

یعنی آن کسانی که ربا را میخورند بر نمیخیزند از قبرشان در
قیامت مگر مثل بر پا شدن کسیکه شیطان با مس کردن او را دیوانه
نموده ذلك بانهم قالوا انما البیع مثل الربوا

یعنی این عذاب آخرت بر خورنده ربا از جهت اینست که آنها
گفتند که بیع مثل ربا است در رضای شدن از همدیگر و بعد از آیه اول
فرموده :

فمن جاله موعظة من ربه فانتهی فله ماسلف

یعنی اگر از برای خورنده ربا نهی آمد از خداوند در آیه او
قبول موعظه نمود از ربا خوردن و توبه کرد، پس از برای او است آنچه

گذشته (و امره الی الله) یعنی کار او با خداوند است که توبه او را قبول فرماید

و در تفسیر صافی در این آیه گفته که در کافی و کتاب فقیه روایت کرده اند از امام جعفر صادق (ع) که فرمود هر ربا را که مردمان با جهل خورده اند و بعد از علم به حرام بودن آن توبه کرده اند، پس از ایشان قبول میشود زمانیکه توبه آنها معلوم شود

و فرمود اگر کسی از پدرش ارث ببرد مالی را، و بداند که در آن مال ربا بوده ولیکن خلط شده بحلال آن در خرید و فروش کردن پس حلال طیب است بر او بخورد آن را و اگر بشناسد از آن مال چیزی معین را که آن ربا است پس اصل مال خود را اخذ کند و باید ربا را رد نماید بر صاحب آن و هر کسیکه بدست آورد مال زیاده و در آن مال ربا را جمع کند، پس جاهل شود بر حکم ربا و بعد از آن معرفت برساند بر حکم آن و اراده نماید بر رد کردن ربا بصاحبش، پس آنچه گذشته از برای اوست و ترک کند آنرا بعد از این ،

و در صافی گفته که در معنای اینست احادیث کثیره

و در آیه بعد از این فرموده **و من عاد فاولئك اصحاب النار هم فیها خالدون**

یعنی هر کس عود بکند بخوردن و حلال دانستن ربا بعد از معرفت حرمت آن ، پس آنکسان صاحبان آتش دوزخند و در جهنم همیشه خواهد بود

و در کافی در این آیه از امام جعفر صادق (ع) روایت کرده که

سؤال نمودند از کسیکه ربا میخورد و آنرا حلال میداند ؟

فرمود ضرر ندارد بر او تا با عمد بر آن اقدام نکند پس وقتیکه با

عمد ربارا بخورد پس او در این منزله است که خداوند فرموده که او در روز حرام همیشه خواهد بود .

و در قیبه و عیون از امام رضا روایت کرده ربا بعد از بیان شدن حکم آن از گناهان کبیره بوده .

و فرمود که خفیف و سبک شمردن خوردن ربا داخل شدن است بر کفر .

و در صافی گفته که بعضی از عارفین فرموده، که ربا خوردنده بدتر است از جمیع مرتکب شوندگان گناهان کبیره زیرا که هر کسب کننده از برای او يك توکل است در کسب خود چه اکثر و چه اندک شود مثل تاجر و زراعت کننده و صنعت کار و تعیین نمیکنند روزی را با عقل خودشان و معین نمیشود بر ای ایشان روزی قبل از کسب و غیر معلومست در حقیقت روزی ایشان .

چنانکه حضرت رسول (ص) فرموده که خداوند تعالی منع کرده که روزی بدهد بر مؤمن مگر از جائیکه نداند ،

و اما ربا خوردنده ، پس او تعیین کرده کسب و روزی خود را و از خداوند خودش دور است با وجود نفس خود ، و از روزی خود خاطر جمع است با تعیین خود ، از برای او ابدأ توکل نیست و خداوند او را بر نفس خود و بر عقل خود و اگذاشته ، و خارج کرده او را از حفظ و حمایت خودش ، پس شیاطین او را در یافته و او را منخبط نموده و در قیامت قیام میکند در حالتیکه در میان او و خداوند ربطی نیست چنانکه از برای سایر مردمان با توکل ربط است و او در قیامت مثل دیوانه است که شیطان او را مس کرده و حیران بر میگردد و راهی نیابد بر مقصود خود (تمام شد کلام او)

و نیز خداوند در آن سوره فرموده **يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي**
الصَّدَقَاتِ

یعنی خداوند محو و نابود میکند ربا را و زیاده و برکت میدهد
بر صدقه و ثواب آن .

و در کافی و فقیه روایت کرده اند که از امام جعفر صادق (ع)
سؤال کردند از این آیه ، و گفتند که دیده میشود که مال ربا خورنده
زیاد میگردد ؟!

فرمود کدام محو است که ضایع کننده تر باشد از یک درهم ربا که
دین او را محو میکند و اگر توبه کند از ربا خوردن ربا مال او را ضایع
میکند و فقیر میگردد .

و عیاشی از آنحضرت روایت کرده که رسول خدا در این آیه فرموده
که از برای هر عمل خیر، خداوند ملکی موکل کرده، بغیر از صدقه، زیرا که
خداوند صدقه را اخذ میکند بدست قدرت و رحمت خودش و آنرا تربیت میکند
چنانکه کسی بر اولاد خود تربیت مینماید تا اینکه بر قیامت مثل کوه
احد میشود

و در صافی گفته که در معنای این حدیث احادیث بسیار است .

و نیز خداوند فرموده **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا**
بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِن لَّمْ تَعْلُوا فَاذْنُو بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ
وَرَسُولِهِ

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آوردید از خداوند تعالی بترسید و
ترك بکنید آنچه از ربا باقی مانده در ذمه مدیون اگر ایمان واقعی دارید
و هر گاه ترك نکنید پس خبردار بشوید بر جنگ کردن با خداوند و با
رسول الله .

و در تفسیر صافی در این آیه از کافی از امام جعفر صادق (ع) روایت نموده که یکدرهم ربا خوردن اشد و بدتر است در نزد خداوند از هفتاد مرتبه زنا کردن که همه بامحارم خود باشد و این را در فقیه و تهذیب نیز روایت کرده‌اند و زیاده کرده که مثل عمه و خاله و در تفسیر قمی زیاده نموده مثل اینکه در بیت الله الحرام زنا بکند.

و در فقیه و تهذیب نیز از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده‌اند که حضرت رسول الله لعن کرده بر ربا و بر خورنده آن و بفروشنده آن و بر کاتب و مشتری و بر دوشاهد آن و از این احادیث در وسائل و در جوامع اربعه بسیار است و آیات در شدت حرمت ربا در نهایت واضح است و محتاج بر نقل احادیث زیاده بر این نیست زیرا که ربا در حدیث کافی و فقیه و تهذیب و تفسیر قمی بدتر از زنا بامحارم شده و علت آن در آن عالم عارف بر معنای احادیث بیان کرد که عبارت باشد از عدم توکل ربا خورنده و واگذار نمودن خدا او را بر نفس او که بدترین خذلان و سخت‌ترین حرمان از رحمت خداوند است، و البته این شدیدتر گناهان کبیره بوده و این حال بس است در همیشه بودن ربا خورنده در دوزخ که ضریح آیه قرآن است و حال او مثل حال آنکس است که با خداوند و بارسول او در مقام جنک و جدال باشد العیاذ بالله.

فصل دوم در موضوع و معنای رباست که ربا چیست و عبارت از چه میشود؟

و این مطلب محل دقت و جای گفتگو است و حکم ربا واضحست که اشد و بدترین حرامها است و کلام اهم در معرفت معنای رباست و شناختن آن بوده .

و محقق بحرانی صاحب حدایق در مسئله ناله در ربا فرموده که ظاهر اینست که خلاف نبوده در اینکه هر چیز یکی که بعمل میاید از یکجنس واحد پس حرام است زیاده در آن مثل گندم بر آرد فروش شود زیرا که آرد شدن بیرون نمیکند گندم را از حقیقت آن ، و همچنین است هر جنس با فرع آن ، مثل خرما و دبس و رطب و فشرده شیره آن ، و مثل انگور و مویز و دبس آن ، و نحو اینها پس جائز است فروختن گندم بر آردش با تساوی نه با زیاده و نه بر نسیه .

و در کتاب تذکره مرحوم علامه گفته که ما بیان نمودیم که اصل هر چیز و فرع آن یکی است و فروخته میشود یکی بدیگری با تساوی نه با زیاده ، و جایز نیست بر نسیه زمانیکه در آن کیل و وزن باشد پس جایز است فروختن گندم بر آردش و بر آرد جو فروش گندم بر قوت آن و جو و قوت هر دو را بر آرد آندو

و در نزد جمیع علماء ما و نیز ادعای اجماع را کرده در اتحاد در میان گندم و جمیع آنچه از آن بعمل آید حتی بین گندم و نان آن و هر یسه آن و همچنین در بین جمیع انواع شیر دوشیده و آنچه از شیر حاصل میشود و بعمل بیاید حتی اتحاد در بین خود شیر و کسک و نیز در تذکره فرموده جایز است فروختن گندم بر نان با تساوی

نقداً و جایز نیست بر نسیه و نه بر زیاده و جایز است که نان بر نان فروخته شود هر دو خشك و یا همه تر و یا یکی تر و دیگری خشك و جایز است فروختن نشاسته بر گندم و نقل کرده منع نمودن علماء اهل سنت را در همه اینها (تمام شد کلام آن مرحوم)

و مراد از منع کردن علماء آنها یعنی آنها نیز جایز نمیدانند فروختن اینها را باز یاده مثل علماء شیعه .

و نیز محقق مذکور در مسئله خامسه گفته ، که شناختی در سابق که از مقررات در کلام علماء اینست که هر چیز و آنچه از آن بعمل بیاید يك حکم دارد و هر چه داخل شود در تحت يك حقیقت از حقایق پس آن يك جنس بوده ، پس انگور و خرما و آنچه از اینها خارج میشود و فرعی از اینها است یکجنس است و همچنین بوده گندم و آنچه از آن فرع می شود ، و از گندم است جو چنانکه گذشت و گوشت بز و گوسفند یکجنس است از جهت داخل شدن آنها در تحت لفظ غنم و گاو میش و گاو در نزد علماء يك جنس است از جهت داخل شدن آنها در تحت جنس بقر (تمام شد کلام او اعلی الله مقامه)

یعنی گوسفند و بز و گاو میش و گاو در زکوة یکجنس است

و مثل کلام آیه الله علامه است کلام شهید اول و ثانی در لعمه و شرح آن زیرا که در فصل هشتم در رباست گفته اند و مورد و محل ربا در جنس بودن است زمانیکه کیل و وزن در آن باشد و یکی بد دیگری زیاده شود تا اینکه گفته وضابطه جنس در ربا داخل شدن است در تحت لفظ خاص ، مثل خرما و مویز و گوشت ، پس خرما يك جنس است با جمیع اصناف آن ، و مویز هم چنین یکجنس بوده و گندم و جو در ربا یکجنس است که در قول مشهور و گوشت

تابع حیوان است پس گوشت گوسفند و بز يك جنس بوده زیرا که لفظ غنم بر آنها شامل است، و گاو میش و گاو يك جنس است و شتر عربی و غیر آن یکی است (تمام شد کلام ایشان)

و کلمات غیر از ایشان مثل آنها است که گوشت گوسفند و بز و گاو میش و گاو و جمیع شتر یکی است و جمیع اصناف خرما و کل انواع مویز و انگور يك جنس است مثل گندم، جو و بلکه دانسته شد از کلام محقق بحرانی و علامه که گندم با نان آن یکی است و نباید یکی بدیگری در فروختن زیاده شود و بلکه نان جو با نان گندم باید مساوی باشد و بلکه شیر و آنچه از آن حاصل میشود مثل مسکه و روغن و کشك و ماست و پنیر همه يك است و حال اینکه خرمای و مویزی بوده يك من مثلا يك تومان، و نوع دیگری از این يك من چهار تومان و مسکه يك من ده تومان مثلا و كشك و ماست يك من يك تومان.

و همچنین است گوشت بز و گوسفند و نان گندم و نان جو. آیا انصاف است که همه اینها را با مساوات فروشند و زیاده بر دیگری حرام باشد؟ و اینطور خرید و فروش کار سفیه است یا نه؟ آیا مسکه و روغن را با كشك و ماست مساوی عوض میکنند؟ و اگر يك قدر ماست و یا كشك زیاده تر از مسکه باشد آیا آن زیاده حرام میشود و ربا خواهد بود؟ و آیا این حکم را کسی با شعور و با عقل میتواند بر صاحب عقل کل نسبت بدهد؟

و بالجمله این اشتباه و غفلت بزرگ است و ناشی شده از جمله از احادیث که در گندم و جو و در اتحاد آنها بوده و بودن اصل آنها از يك جنس وارد شده.

و از جمله آنها است حدیث ابن سالم در کافی و تهذیب از امام جعفر

صادق که سؤال کردند از کسیکه بر شخصی چند کر طعام میفروشد و در نزد آنکس یافته نمی شود آن مقدار گندم که فروخته و بر آن شخص میگوید که در عوض قفیز گندم دو قفیز جو بگیر تا تمام شود آنچه من بر تو فروخته‌ام؟

آنحضرت فرمود صلاح نیست زیرا که اصل جو از گندم بوده و لکن رد میکند بر آن شخص از درهم بحساب آنچه ناقص شد از گندم.

و در آندو کتاب از حلبی روایت کرده‌اند که سؤال کردند از کسیکه میخرد گندم را و فروشنده پیدا نمیکند مگر جو را آیا صلاح است از برای خریدار اینکه اخذ بکند دو قفیز جو در عوض يك قفیز گندم؟ فرمود نه زیرا که اصل هر دو یکی بوده.

و در احادیث دیگر وارد شده که گندم را با جو با مساوی فروشنده نه با زیاده.

و جواب از این احادیث و امثال اینها اینست که اولاً در اینها لفظ حرام و ربا نیست و لفظ لا یصلح و لفظ لا بوده و اینها حمل می شود بکراهت نه بر حرمت.

و ثانیاً این احادیث معارضی است با احادیث بسیار در باب زکوة که گندم و جو دو جنس است و از غلات اربعه بوده که خرما و مویز و گندم و جو است و چطور میشود که دو زکوة دو جنس باشد و در ربا يك جنس و این مثل يك بام و دو هوا و تناقض است، و احادیث بودن گندم و جو در زکوة دو جنس زیادتر واضح و واضح است از این احادیث که در ربا وارد شده.

و ثالثاً بودن گندم و جو از يك اصل در خصوص ربا لازم ندارد

که مسکه و روغن با كَشَك و ماست و با پنیر مساوی شود و در انواع و اقسام و اصناف خرما و مویز ربا باشد زیرا که تمامی خرما و مویز يك جنس است، و این قیاس است از جهت اینکه مورد نص گندم و جو بوده نه خرما و مویز و روغن و ماست و تجاوز کردن از منصوص در حکم خاص بغیر از آن قیاس است و اگر عمل بر نص میکنی در گندم و جو بوده نه در خرما و مویز و مسکه و ماست و كَشَك و در مخالفت اصل جو از زیاده و حلیت اکتفا می شود بر قدر یقین که گندم و جو است.

و رابعاً احادیث وارد شده در گندم و جو در ربا حمل میشود بر تقیه، زیرا که در مذهب عامه در گندم و جو ربا میشود، چنانکه علامه در تذکره از آنها نقل کرده و صاحب حدائق اراد در کلام سابق نقل کرد و گفت و نقل کرده منع کردن علماء اهل سنت را در همه اینها (تمام شد کلام او)

پس معلوم میشود که جایز نبودن زیاده در گندم و جو و در سایر انواع و اصناف خرما و مویز و غیر از آنها مذهب عامه است و احادیث گندم و جو از جهت تقیه بوده نه بطریق حکم واقعی زیرا که مختلف بودن جو و گندم بحسب جنس و لون و طعم و حس مثل آفتاب روشن است و همچنین انواع گندم از زرد و سرخ و سفید و کوسج و غیر از اینها واضح است و هكذا خرما و مویز انواع بسیار دارند و اقسام آنها مختلف بوده در طعم و لون و درشت بودن و کوچک شدن.

و چگونه ممکن میشود که کسی با عقل و شعور بگوید که خرما یا زاهدی با خستای يك است؟ و انگور ریش بابا مثل انگور سیاه است؛ و مویز گرمیان با مویز انگور سیاه یکی بوده؛ و حال اینکه اختلاف همه اینها مثل ماه چهارده شبی ظاهر است.

و در احادیث صحیحه بسیار وارد شده که وقتی که طعامها مختلف شدند زیاده فروختن عیب ندارد .
 از آن جمله در کافی و تهذیب از محمد بن مسلم روایت کرده اند که امام محمد باقر علیه السلام فرمود در حدیث مفصل که زمانی که دوشیئی مختلف شدند عیب ندارد که دو مثل بدهی و يك مثل بخری دست بدست و نقد بنقد .

و نیز در کتب اربعه از حلبی روایت کرده اند که امام جعفر صادق فرمود آنچه بوده باشد از طعام مختلف و یا متاعی و یا شیئی از اشیاء که بر همدیگر زیادتی دارند . پس عیب ندارد فروختن يك مثل بدو مثل دست بدست، و اما با مدت و نسیه پس صلاح نیست ،
 و در تهذیب با سندهای متعدد از حلبی روایت کرده که آنحضرت فرمود فروختن روغن زیت بروغن گاو و گوسفند دو من میدهد بر يك من که دست بدست باشد عیب ندارد .

و در کافی از سماعه روایت کرده که آنحضرت فرمود که شیئی مختلف دو مثل بر يك مثل دست بدست عیب ندارد .

و نیز در کافی گفته و در حدیث دیگر آنحضرت فرمود که دو شیئی مختلف دو مثل بر يك مثل دست بدست فروختن عیب ندارد ،

و در تهذیب از زیاد بن ابی غیاث روایت کرده که شنیدم که امام جعفر صادق می فرمود آنچه بوده باشد از طعام مختلف و یا متاعی و یا شیئی از اشیاء که بیکدیگر دیگری زیادتی دارد پس عیب ندارد فروختن يك مثل بر دو مثل دست بدست، و اما نسیه پس صلاحیت ندارد .

و در کافی از قمی از رجال خود روایت کرده از آنحضرت در حدیث مفصل که فرمود فروخته می شود نقره بر نقره و طلا بر طلا هر

طوری که خواسته باشند دست بدست و حلال نیست بر نسیه فروختن تا اینکه فرمود از زمانی که مختلف شد اصل آنچه با کیل فروخته شود پس عیب ندارد دو مثل بر یک مثل دست بدست و مکروه بر نسیه (تا اینکه فرمود): و آنچه شمرده می شود و کیل و وزن نمیشود پس عیب ندارد فروختن دو مثل بر یک مثل دست بدست و کراهت دارد بر نسیه تا اینکه فرمود يك خانه را بدو خانه و يك جریب زمین را بدو جریب عیب ندارد دست بدست و مکروه میشود بر نسیه .

و در کافی از زراره روایت کرده که امام محمد باقر فرمود که در فروختن بکشتی بدو شتر و يك حیوان بدو حیوان دست بدست عیب ندارد. و در کافی و تهذیب از ابن سنان روایت کرده اند که از امام جعفر صادق سؤال کردم از کسی که بر شخصی روغن زیت داد بر مدتی بنا بر اینکه از او روغن کلو اخذ نماید بعد از آن مدت فرمود صلاحیت ندارد پس از این احادیث معلوم میشود که طعام مختلف را بازباده فروختن نقد بنقد عیب ندارد و لکن با نسیه ابدأ صلاح نیست زیرا که در نسیه فروختن با زیاده ربا میشود و زیاده در مقابل مدتی گردد پس هر زیاده که در عوض تأخیر و مدت باشد .

پس آن زیاده ربا است نه آن زیاده که مقابل خوبی و مرغوبی يك طرف معامله و در یکی از عوضین بوده باشد و زمانی که طرف معامله در خرید و فروش مختلف شده و يك طرف گندم زرد و طرف دیگر گندم سرخ گردید پس خرید و فروش دست بدست گردید .

پس زیاده بودن گندم سرخ در قیمت از جهت مرغوبی آن عیب ندارد، چنانکه در احادیث مذکوره بیان فرموده اند زیرا که طعام مختلف شده، و بیع و شراء دست بدست گردیده و زیاده در مقابل مدت و نسیه

بودن یکی از طرفین نشده و بلکه در مقابل مرغوبی گندم سرخ شده و همچنین است در خرماهای سرخ و زرد و در مویز سرخ و سیاه باصراحت احادیث اختلاف طعام که معنای همین طعام در احادیث غلات اربعه و سائر حیوانات است.

چنانکه در قاموس و صحاح و در غیر از اینها علماء اهل لغات از فریقین بیان کرده‌اند.

پس ربا عبارت شد از آن زیاده که در مقابل مدت باشد نه اینکه در فروختن مسکه و روغن زرد بر کشك و ماست گردد چنانکه بعضی از علماء مثل صاحب شرایع و تذکره و اتباع ایشان خیال کرده‌اند، زیرا که چنانکه در احادیث طعام مختلف فرموده‌اند، و هکذا شیتی از اشیاء نیز بیان کرده‌اند پس فروختن يك من روغن زرد برده من کشك و سی من ماست دست بدست عیب ندارد از جهت اینکه روغن زرد فضیلت دارد بر ماست و بر کشك، و روغن یکنوع طعام و یا شیتی از اشیاء است و کشك و پنیر و ماست نوع دیگر از طعام و خوردنی و یا شیتی بوده از اشیاء پس بنا بر صریح احادیث مذکور، فروختن انواع گندم و اقسام روغن و اصناف مویز و خرما بر نوع دیگری از آنها عیب ندارد و ربا نمیشود در فرض زیاده يك طرف هرچندی که بر همه انواع و اقسام و اصناف و خرما و مویز و گندم و جو و برنج و نخود و لویا و ماش میگویند.

ولیکن این انواع و اقسام و اصناف از ظعم و لون مختلف است که یکی زرد و دیگری سرخ و یکی سیاه و دیگری سفید پس چنانکه بحسب طعم و جنس مختلف بوده‌اند پس باید از جهت قیمت نیز مختلف باشند، و از این جهت در احادیث سابقه فرموده که عیب ندارد فروختن دو

مثل بر یکمثل دست بدست و اما بر نسیه پس صلاح نیست و کراهت دارد و مراد از اینمکروه همان حرمت است که ربا در مقابل مدت نسیه باشد و چنانکه انواع و اقسام غلات اربعه مختلف بوده و نوعی بر نوع دیگری امتیاز و فضیلت دارد و همچنین فواکه و میوه‌ها صنفی بر صنف دیگر فضیلت و در قیمت زیادتی دارد مثل لوز و جوز و زردالو و آلوبالو و هلو و خربزه و هندوانه زیرا که بادام پسته با بادام بزرگ دانه و زردالوی پیوند با نا پیوند فرق بسیار دارد بحسب طعم و قیمت و در حس.

پس چطور ممکن است که همه انواع آنها را بربك قیمت فروشند و در فروختن مساوی باشد و اگر حدیثی وارد شود که باید همه انواع يك جنس با تساوی فروخته شود. پس لابد است که آن حدیث حمل بر تقیه گردد و یا بکراهت شرعی باشد.

مثل حدیث ابن قیس در فقیه و تهذیب گفت که شنیدم از امام محمد باقر (ع) که مکروه می‌داشت يك وسق از نمر مدینه را برد و وسق از نمر خیبر، زیرا که نمر مدینه اجود و خوبتر بوده و قریب بر اینست حدیث ابوبصیر و ابن سنان از امام جعفر صادق.

و اگر مراد از کراهت در این احادیث حرمت باشد پس لابد است که حمل شود بر نسیه فروختن نه بر فروش دست بدست زیرا که در نسیه ربا میشود و زیاده در مقابل مدت مهلت می‌گردد که محض ربا و ربای محض است در فرض نسیه بودن يك طرف معامله.

پس از احادیث فروش دست بدست یکمثل را بدو مثل معلوم شد که ربا در آن فرض است که زیاده در مقابل مدت و در صورت نسیه

بوده نه در فروختن نقد بر نقد .

و از جواب چهارم از احادیث بودن گندم و جو يك جنس، ظاهر گردید که عدم جواز و کراهت در آنها از جهت تقیه است و یاد در فرض نسیه بوده .

پس در میان احادیث اختلاف نیست زیرا که آن حدیثکه می - فرماید انواع یکجنس باید مساوی فروخته شود مثل گندم و جو حمل می شود بر فروختن نسیه و یا بر تقیه و یا بکراهت و احادیثکه می گوید يك مثل را بدو مثل می شود فروخت خود آنها صریح است که در فرض اختلاف طعامها و اشیاء دست بدست باید باشد و در این فرض ربانیست .

پس کسی نگوید که چرا باید مسکه و كَشَك و ماست یکقیمت باشد و انواع جمیع خرماها و مویزها و برنجها و گوشتها و همه قوا که يك قیمت گردد و الا ربا می شود زیرا که این ایراد بر بعضی از علماء است نه بر صاحب شرع انور و از برای اینکه بعضی علماء اشتباه کرده و احادیث را حمل بر غیر موردش نموده و احادیث هر کدام در محل خود صحیح بوده و اشکال ندارد و الحمد لله .

تمام شد این مختصر در ساعت دویم از روز دویم از دهه دویم از

ماه هشتم از سال پنجم از عشره هفتم از صد

چهارم از هزار دویم از هجرت نبوی

صلی الله علیه و آله بدست

حسین بن نصر الله

الموسوی

الحمد لله كما

هو اهله